

یکی از علماء بزرگ حوزه علمیه

## پرتوی از انوار آسمانی

(۳)

در شماره پیش آیه شریفه **يا ايها الرسول بلغ ما**  
**انزل اليك من ربك** ؛ عنوان شد ؟ ابتدا با  
استفاده از جهات مختلف آیه اثبات شد که آیه در  
موضوع خلافت علی بن ابی طالب (ع) نازل شده و  
سپس جهت غیبی آیه بیان گردید .  
در این شماره نظریه فخر را زی در مورد  
این آیه مطرح و جهات اشکال آن بیان میشود و  
بالاخره بنکات و لطائف آیه اشاره میگردد .

فخر رازی در تفسیر آیه شریفه دچار اشتباه گردیده است ؛  
زیرا پس از آنکه در شأن نزول احتمالات زیادی داده که یکی از آنها  
داستان غدیر است ؛ خود چنین اختیار کرده که چون آیه قبل و آیه

بعد راجع باهل کتاب است؛ این آیه شریفه نیز راجع بانها بوده و غرض تشویق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است به تبلیغ احکام اسلام؛ بدون آنکه از یهود و نصاری ترسی داشته باشد. خداوند متعال در ذیل آیه شریفه تعهد فرموده است که وجود پیغمبر را از شر آنان حفظ کند.

این سخن از چند راه مردود است:

**اول** - آنکه بدیهی است، قرآن کریم، مانند کتابهاییکه بدست دانشمندان بشری تألیف میشود، که معمولاً يك مقدمه و چند باب و چند فصل و يك خاتمه دارد؛ نیست. کتاب تدوینی حق؛ مانند کتاب تکوینی؛ از هر گونه آرایش بشری برکنار و سطح آن بالاتر از فکر انسان است؛ هما نظوری که گلستان طبیعی و یا جنگل بطور غیر مرتب جلوه گری نموده و بنی آدم را بهره مند میکند؛ قرآن که کتاب تدوینی حق است نیز چنین است، چنانکه جنگل و گلستان طبیعی با آنکه آرایش دست باغبان و گلکار در او وجود ندارد، بدرجات جالبتر و نفیس تر میباشد؛ کتاب مقدس آسمانی اسلام نیز چنین است؛ هما نظوری که جنگل و گلستان طبیعی؛ روی علل تکوین، و اسباب اولیه آفرینش که از دست بشر دور است بوجود آمده و تشکیل يك محیط جالب و يك منظره عالی داده است؛ قرآن کریم نیز از مجموعه ای از الهامات الهی که بر طبق احتیاج مردم در موارد مختلفه بقلب مبارك پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گردیده؛ بوجود آمده و این کتاب نفیس نورانی را تشکیل داده است.

بنا بر این بیان باینکه: آیه قبل از این آیه چیست؛ یا آیه

بعد از آن چه میباشد؟ نمیشود اعتنا نمود. شما ای خواننده! اگر در صدد تحقیق میباشی، همین سوره شریفه مائده را مطالعه کن تا حقایق مدعای نگارنده روشن گردد.

در این سوره، پس از بیان اینکه گوشت چهار پایان حلال است (۱) و ملاحظه احترام شعائر خدا و ماه حرام و هدی و حجاج بیت الله واجب است، و خوردن میت و خون و گوشت خوک حرام است؛ و در آیه ۴ و ۵ حلال بودن بعضی از مأكولات و زینهای مؤمن و اهل کتاب را بیان میفرماید (۲) در آیه ۶ «و وضو و غسل و تیمم را بیان میفرماید (۳) پس از آن آیات راجع بیادآوری نعم حق متعال، و لزوم عدالت میباشد و بعد از آن راجع به بنی اسرائیل است؛ در حالیکه مثلاً آیه ۵۱ در نهی مؤمنین از موالات یهود و نصاری است؛ در آیه ۵۲ و ۵۳ نیز شاید تتمه همان مطلب باشد؛ آیه ۵۴ راجع بارتداد و مرتد است.

و اگر بزبان عربی آشنا نبوده و معنی قرآن از روی ترجمه هم برایت قابل درک نیست اوایل سوره های همین قرآنها را که در بلاد

- (۱) یَسْئَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لِهِمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ. الْآيَةَ
- (۲) الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتِ وَطَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ عِلَّ لَكُمْ وَطَعَامِكُمْ حِلَّ لِهِمْ وَ الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ الْآيَةَ .
- (۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ. الْآيَةَ .

عربی زیر نظر مشایخ قرائت بطبع رسیده مطالعه کن و بین که در ابتدای سوره بقره مینویسد: این سوره مدنی است مگر آیه ۲۸۱ که در منی در حجة الوداع نازل گردیده است. و در اول همین سوره مائده مینویسد که: این سوره مدنی است؛ مگر آیه ۳ که در عرفات نازل شده است. در ابتدای سوره انعام مینویسد که: این سوره مکی است، مگر آیات ۲۰-۲۳-۹۱-۹۳-۱۱۴-۱۱-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳، بیشتر سوره های طولانی بهمین قیاس است، بلکه در ابتدای سوره ماعون (۱۰۷) که دارای هفت آیه میباشد، چنین نوشته شده که: سه آیه اول آن مکی است و باقی مدنی، پس روشن است که در خیلی از سوره های قرآن بین دو آیه که بحسب ظاهر یکی پس از دیگری نوشته شده است، سالها فاصله میباشد، چون یکی در مکه و دیگری در مدینه نازل گردیده است، با این وضع آیا از فخر رازی تعجب نیست که آنها را بواسطه آنکه قبل و بعد آن راجع باهل کتاب است از مورد نزول واقعی خود منحرف نموده و ملحق به آن آیات نموده است؟ عجیب تر آنکه میگوید: چون آیات طرفین آیه راجع باهل کتاب است، ممکن نیست این آیه راجع بمطلب دیگری باشد، در صورتیکه معلوم شد تو آن اندازه ای برای همه کسانی که ولو مختصر سرو کاری باقرآن دارند معلوم بود که قبل و بعد آیات هیچ تأثیری در معنی آیه مورد بحث ندارد، در کتابی که حکم غسل و وضو و تیمم را در نبال اطعمه مجلله و محر مه ضبط میکند و اطعمه مجلله را با زندهای حلال در یک ردیف منسلک مینماید، و یک آیه در شهری و آیه دیگر که بلافاصله بعد از آن آیه است، در شهر دیگر

نازل شده ، بقرینه قبل وبعدهیج حکمی نمیتوان نمود .  
 دوم - فرضاً اگر در قرآن کریم هم ، مانند سایر کتب ، باید تناسب  
 بین آیات شریفه محفوظ باشد ، دور نیست که تناسب آیات را با تطبیق  
 موضوع ولایت بتوان باین طریق شرح داد :

آیه ۵۱ مسلمانان را از موالات بایهود و نصاری نهی میکند (۱)  
 پس از آن بحسب ظاهر آنهائی را که برای روزهای تاریک خود دست  
 بدامن اینان زده و در این باب تندروی میکنند، توییح میفرماید (۲) پس از  
 آن آیه راجع بارتداد است ، و در آیه ۵۵ موالات را منحصر میکند بخدا  
 و رسول و آنان که ایمان آورده اند ، و نماز خوانده و زکوة داده اند  
 در حالیکه رکوع میکنند (۳)

آیه ۵۶ باز اراجع بموالات است (۴) آیه ۵۷ مؤمنین را از موالات با  
 کسانیکه بدین وایمان استهزاء نموده و آن را باز بچه می بندارند ، چه  
 اهل کتاب و چه کفار ، نهی می فرماید (۵) و آیات بعد همه را جمع بتنفید  
 از آنها و سابقین آنها است تا بالاخره بآیه شریفه **یا ایها الرسول ..**  
 میرسد . خلاصه آنکه ممکن است بگوئیم :

(۱) یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء  
 بعض . الاية (۲) فترى الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشى ان  
 تصیبنادائرة . الايه .

(۳) انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الايه (۴) و من یتول الله ورسوله  
 و الذین آمنوا الايه (۵) یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا  
 دینکم هزواً و لعباً من الذین اتوا الكتاب من قبلکم و الکفار اولیاء . الايه

این آیات در مقام جلو گیری مؤمنین از موالات کفار و اهل کتاب است، و انتقاداتی که میفرماید در ضمن این مقصود است، و در چنین مقامی که در دوستی و موالات کفار و اهل کتاب را بروی مؤمنین می بندد بسیار مناسب است که پناه گاهی برای آنان معین فرماید، و اگر از روی رحمت بزند ددزی، زحکمت و رحمت گشاید در راهای دیگری، و از موالات آنان که نهی میفرماید در عوض نقطه اتکائی که بطریق اوفی تدارک کناره گیری از آنان را بفرماید، نشان دهد، چنانچه در آیه ۵۵ این نکته را منظور فرموده است (۱) سو۴۰۰ باصرف نظر از آنچه در شماره اول و دوم ذکر شد، باز میتوان گفت که: چون خلاصه آیه قبل (۲) این است که اگر اهل کتاب، تورا و انجیل را زنده نگاه میداشتند، وضع دنیا را آنها هم بسیار خوب بود. آیه یا ایها الرسول با فرض انطباق بامسئله و لایق کاملاً مناسب است، باین بیان که تو ای پیغمبر! وسائل پایداری دین خود را برساندن آن وحی مرموز به مردم فراهم نما و باین منظور شخصی که لیاقت اداره حکومت عادلانه الهیه را دارد معین فرما! و از کسی نترس! زیرا، مانگهبان و حافظ تو هستیم.

و نظیر این تناسب از اول همین سوره تا این آیه شریفه مورد بحث در چند مورد روشن است، زیرا آیه محاربه با خدا و رسول و مفسده انگیزی در روی زمین، بفاصله مختصری پس از داستان پسران آدم و آیه تأکید در حرمت قتل نفس است.

(۱) آیه انما اولیکم که قسمتی از آن در باورقی صفحه قبل گذشت

(۲) ولوانهم اقاموا التوراة و الانجیل الا به

و آیه حد دزد نیز، بعد از چند آیه ذکر شده، و بعد از آنکه در آیه ۴۷ میفرماید: باید حکم کنند اهل انجیل بآنچه خدا در انجیل نازل فرموده، در آیه ۴۸ میفرماید: بجانب تو فرستادیم کتاب را براستی، در حالتیکه کتب آسمانی را تصدیق نموده و نگهبان آنیاست، تو حکم کن میان آنان بآنچه را خدا بتو فرو فرستاده «چهارم» - پیغمبری که عده زیادی از اهل کتاب را که طغیان کرده بودند کشت و زنیهای آنان را اسیر کرد و عده دیگری را از مدینه بیرون نمود و بلسان قرآن آنان را لعن فرموده و یا مثلاً میفرماید بعضی از آنان را خدای متعال بیوزینه و خوک مسخ فرموده آیا چنین پیغمبری از تبلیغ اسلام بر جان خود میترسد؟ و از اینکه فی-المثل بگوید: نماز و روزه و خمس و زکوة واجب و قمار و ربا حرام است خائف بوده است؟ روشن است که جواب منفی است، زیرا که یهود و نصاری آنحدود قطعاً راضی بوده اند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط تبلیغ نموده متعرض آنها نشود، چنانکه هشر کین قریش که از آنها بمراتب قوی تر و قلدتر بوده اند، حتی در موقعی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه بود، از او راضی بودند که کاری به بت های آنان نداشته، و دنبال کار خود باشند.

پنجم - اگر بنای ملاحظه مناسبت آیه قبل و آیه بعد باشد، با اجتهاد فخر رازی این مناسبت تأمین نخواهد شد، برای اینکه آیه قبل از یایها الرسول و آیه بعد از آن راجع باین است که: اهل کتاب میبایست تورا و انجیل خود را زنده نگاه بدارند، و اگر در این بین آیه ای باشد که بگوید ای پیغمبر! تبلیغ نما و از یهود و نصاری مترس! بی تناسب است و اگر ملاحظه مناسبت میشد بهترین بود که پس از آیه ۵۴ باشد که میفرماید:

هان ای پیغمبر ﷺ غمناک مباش از کسانیکه در کفر تندروی میکنند.  
**ششم** - اگر مقصود تبلیغ احکام اسلام بطور کلی باشد، مفاد آیه شریفه يك مطالب ضروری بیفایده میشود، زیرا بنا بر آن مفاد آیه این است که اگر تبلیغ نکنی رسالت خدای خود را، رسالت او را تبلیغ نکرده ای؛ و توجیهی که برای رفع این اشکال میکنند و میگویند این از قبیل «انا ابوالنجم وشعری شعری» است، یعنی من ابوالنجم هستم، و شعر من شعر من است چنانچه مقصود از این شعر این است که در فضیلت شعر من همین مقدار کفایت میکند که شعر منسوب بمن است، در آیه شریفه هم مقصود این است که در جرم تبلیغ نکردن رسالت، همین مقدار که تبلیغ نکردن رسالت است کافی است. این توجیه خلاف ظاهر است بعلاوه باید در جایی این عنایت منظور باشد که تبلیغ نکردن رسالت بالاترین توالی فاسده باشد در صورتیکه عذاب خدا و دوری از رحمت حق بسیار بدتر و بالاتر است. گذشته از این مناسب چنین بود که این موضوع را اول رسالت پیغمبر در مکه بفرماید که ایشان از دست دشمنان بزرگت زیاد مبتلا و مدت سه سال در شعب ابطال زندگی میفرمود، نه در مدینه که در هرگز حکومت و پادشاهی خود مستقر گردید و مقدار زیادی از احکام را تبلیغ نموده بودند.

علاوه بر اینها مناسب چنین بود که بفرماید ایه **الرسول بلغ رسالتك** تا احکامی را که بعد نازل میشود؛ نیز شامل شود و منحصر به يك حکم یاد و حکم گذشته نباشد. چون واضح است که نوع احکام گذشته نیز تبلیغ شده است.



**هفتم** اجتهاد ایشان مقابل نصی است که قبلاً گفته شد که سی نفر از علماء اهل سنت در کتب خود ضبط کرده اند و خود ایشان نیز از ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علی نقل نموده که حاصل ترجمه نقل ایشان از ابن قرار است. میگوید:

«وجه دهم آنکه آیه در فضل علی بن ابی طالب عليه السلام نازل گردیده موقعی که این آیه نازل شد؛ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و فرمود: هر کس من مولای او هستم، علی مولای او است، خدایا دوست بدار کسیکه او را دوست بدارد و دشمن بدار کسیکه او را دشمن بدارد، عمر رضی الله عنه او را ملاقات کرد و گفت اینک مولای من و مولای هر مرد مؤمن وزن مؤمن میباشد، و این قول ابن عباس و براء بن عازب و محمد بن علی است.

**بحث سوم** که در این گفتار بخو است پروردگار برشته تحریر در میآید، نکات لطیفه آیه شریفه است: (الف) در این آیه پیغمبر اسلام (ص) مورد خطاب بندای **یا ایها** گردیده که هم مشتمل بر ندا و هم مشتمل بر تنبیه است، یعنی همان ای رسول!

(ب) مناسبت تام بین عنوان رسول و خطاب ببلغ موجود است که میفرماید: ای کسیکه مقام رسالت و وظیفه پیا مبری داری! بوظیفه خود عمل نموده و پرده از روی ین راز بردار!

(ج) کلمه انزل مشعر باین است که موجود نازل کننده ای واسطه مابین خداوند متعال و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و الهام نبی محترم بدون واسطه نبوده است، و این همان حقیقتی است که قرآن کریم در بعضی

موارد بیان تصریح فرموده است .

(د) ظاهر ارب بمعنی صاحب است، در فارسی بخداوند گارت ترجمه میشود مانند رب البیت و رب الضیعة یعنی صاحب خانه و صاحب مزرعه، بنابراین شاید جمله مباحه که من ربك اشاره باین است که تو بنده ای و من صاحب توام و بنده را جز اطاعت و بندگی نشاید .

نکته لطیف آنکه: در این مورد که مقام تأکید در تبلیغ و لزوم اطاعت است لفظ رب را فرموده که مشعر بنکته مذکوره است، ولی در جمله شریفه **والله یعصمک من الناس** و جمله بعد از آن **ان الله لایهدی القوم الکافرین** تعبیر از ذات مقدس بکلمه رب نفرموده و بکلمه **الله** تعبیر فرموده، شاید نظر باینکه مراقبت و محافظت و جنبه دارد: یکی جنبه رحمانیت و عنایت نسبت بیغمبر اکرم (ص) و کسانیکه استعداد هدایت دارند؛ چه از مؤمنین موجود در آن زمان و چه نسل بعد و دیگر جنبه اعمال قدرت و نفوذ و جلوگیری از مفسدین و کسانیکه همواره در پی شب و دنبال تاریکی و ظلمت اند و از وصل آفتاب بیزار بوده تا میدان را برای جولان خالی کنند، باین لحاظ کلمه **الله** را که جامع جهات و شامل صفات است فرموده .

والله العالم